

درآمد: شکوه از فساد عده ای در تقسیم و قیمت گندم، استعفای اعضای بلدیّه به این دلیل، تقاضای نگارنده که اجازه ی استعفا ندهند

شرف عرض حضور مبارک میرساند یک بغروب جمعه از اعضاء محترم بلدیّه با کمال پریشانی تشریف آورده و اظهار استعفا از شغل خود که ما ناچاریم مردم که از خوانهای آنها بزور گندم میاورند میتوانیم برای رفاهیت رعیت و آسایش حکومت حال است روز روشن گندمی که قیمت جان مردم دارد حکومت بلیط می دهد بخواهش بعضی مردم الحق از این اظهار آنها باندازه ای پریشان شدم که با این زحمات و مشقتها که در واقع حفظ اموال مردم و خوانهای ایشان و آبروی حکومت بسته باو است که بوصف نمایم پس از آنها جماعتی از حجّاج و کسبه آمده اند بشکایت که ما اعانه میدهیم که شاید گندم از خارج بیاید حکومت بلیط جواز میدهد ولی از آن فقرات دیگر از کارهای شب و حمل برنج و غیره بتوسط بعضی اشخاص ذکر کرده اند که این بر جلالت دعاگو افزود بالاخره بعد از هزار نصیحت و دفاع و خواهش از اعضاء محترم استدعا کردم که استعفای خود را استرداد کرده آنجا است که عرض می کنم حضرت اقدس استعفای آنها را نپذیرد که اختلال کلی حاصل میشود و بخواهید که حتما سرکار خود بروند و سایر محترمین از کسبه را بوعده های صمیمانه که بعدها جلوگیری سخت خواهد شد متقاعد کرده ام که بحضرت اقدس عرض خواهد شد که اکیداً جلوگیری فرمایند اینها تمام مفسد آنها است که جناب آقای حسین زاده خیال کرده که حکومت ایشان همیشه باراده و میل زید و عمرو است ریش خودش را بدست آنها داده فقط همین یک فقره که فقره نیست جمله از کارها را خودم مطلع و سر بسته عرض می کنم گوش ندادید حال معلوم میشود آنچه شکایات که تا حال از جمل ارزاق شبانه میشود همه راست بوده ملاحظه فرمائید که تجزی بمقامی است که روز روشن گندم حمل شود شب تاریک ارزاق دیگر معلوم است والحاصل بجناب آقای حسین زاده بفرمائید این طور نباشند و نکنند حکومت باید قانون مستقیم داشته باشد زیاد جسارت شده خواهید بخشید